

رویداد

ششمین اختتامیه جایزه بین‌المللی باروت خیس برگزار شد
«انصار المستضعفين» برای سلیمانی
«باروت خیس» برای ترامپ



مراسم اختتامیه ششمین جایزه بین‌المللی باروت خیس در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی با حضور برخی مقامات نظامی برگزار شد. به گزارش «وطن امروز»، در ششمین جشنواره بین‌المللی «باروت خیس» که مراسم اختتامیه آن در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار شد، جایزه باروت خیس بر اساس آرای اخذ شده به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا تعلق گرفت. جایزه باروت خیس جایزه‌ای نمادین است که از سال ۱۳۹۱ به بعد هر ساله به منفوق‌ترین شخصیت جهان در آن سال تعلق می‌گیرد. همچنین در همایش بین‌المللی «باروت خیس» سومین جایزه «انصار المستضعفين» به سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعلق گرفت. این جایزه به دلیل عدم حضور سردار سلیمانی در مراسم به نماینده وی تحویل داده شد. در این همایش، امیر حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ‌کننده ارتش، سردار غلام حسین غیب‌پور رئیس سازمان بسیج مستضعفین، سردار ابوالفضل شکارچی سخنگوی ارشد نیروهای مسلح، سردار علی فضلی، امیر تقي خانی سخنگوی ارتش و جمعی از خانواده‌های معظم شهدا حضور داشتند.

مستند

پخش مستند «مهاجرین جنگ» از شبکه مستند
 مستند «مهاجرین جنگ» به کارگردانی هوشنگ آزادی‌پور، سینماگر، مستندساز و مترجم سینما و تئاتر، امروز چهارشنبه ۲۷ تیر ساعت ۲۱ از قاب «گنجینه» شبکه مستند روی آنتن می‌رود. به گزارش «وطن امروز»، حنیف شهرزاد، تهیه‌کننده «گنجینه» درباره پخش این مستند گفت: این فیلم که بی‌شک از بهترین مستندهایی است که در این فصل از مجموعه «گنجینه» پخش می‌شود، لحظه‌های آغازین جنگ ایران و عراق را به عریانی تمام به تصویر کشیده و استه‌ساخته‌ترین آثاری است که در اوج جنگ ساخته شده‌اند. در «مهاجرین جنگ» تصاویر هنرمندانه و اثرگذار از مردمان بی‌خانمانی وجود دارد که از جنگ می‌گریزند. هوشنگ آزادی‌پور که اردیبهشت امسال در تهران درگذشت هنرمندی چندوجهی بود که در زمینه شعر، پژوهش، ترجمه کتاب و فیلمسازی فعالیت داشت و اکثر آثار مستندسازی حال و هوای مردم‌نگاری دارند؛ این هنرمند به هنر تجربی گرایش داشت و شعرهایش غالباً فرمالیستی هستند. «گنجینه» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی حنیف شهرزاد در ۲۶ قسمت حدود یک‌ساعته تهیه شده و غلامعلی افشاربه گفتار متن آن را بر عهده دارد. آرین مظفری نویسنده و مسعود سلطانی طرح‌آورد این مستند هستند. این مستند چهارشنبه‌ها حدود ساعت ۲۱ از شبکه مستند پخش و پنجشنبه‌ها ساعت ۹ بازپخش می‌شود.

سینما

تازه‌ترین خبرها از دوازدهمین جشنواره «فیلم ۱۰۰»
 دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» با موضوع اخلاق و سبک زندگی، اسفندماه امسال به دبیری علی قربانی در تهران برگزار می‌شود. این رویداد سینمایی در ۲ بخش مسابقه‌ای و مسابقه‌ای در قالب مستند، داستانی و پویانمایی طراحی شده است. همچنین بخش مسابقه سینمای جهان در قالب‌های مستند، داستانی و پویانمایی نیز صرفاً برای حضور شرکت‌کننده‌های غیرایرانی خواهد بود. فیلمسازانی که فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای اول و دوم خود را تولید کرده‌اند تنها در یکی از بخش‌های اصلی یا مسابقه تجربه می‌توانند شرکت کنند. موضوعات بخش‌های مختلف این دوره جشنواره شامل اخلاق و سبک زندگی، ترویج مفاهیم اخلاقی همچون قانون‌مداری، گذشت، سعه صدر و ایثار، ترویج الگوی انسان انقلاب اسلامی، خانواده الگوی ایرانی - اسلامی، فرهنگ اصیل ایرانی، نگاه دوباره به زندگی و زدودن غبار روزمرگی است. دبیرخانه جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» مهلت ارسال آثار را پایان دی‌ماه و معرفی آثار را یافته در ۲۰ بهمن‌ماه سال جاری اعلام کرده است.

درباره شاعران پارسی که در وطن خویش، افغانستانی خوانده می‌شوند

دور اما نزدیک



شهادی افغانستانی است و هر جا نام او مطرح باشد وجهه شاگردپروری او مطرح می‌شود، حکمت سخنانش را فهمیدم. او از هر فرصتی برای راهنمایی کردن و چراغ‌انداختن در مسیر پیش رو استفاده می‌کند. شخصیتی که سلوک خاصی دارد و همین سلوک او را متمایز کرده است؛ تمایزی که نه فقط در میان افغان‌ها بلکه در میان ادیبان پارسی‌گوی این روزگار او را برجسته کرده است. طبع لطیف اشعار او هر شنونده و خواننده‌ای را سر ذوق می‌آورد. در همان مراسم، او شعری خواند و در فکر بودم که چطور کاغذ شعرش را بگیرم و چگونه درخواستم را مطرح کنم که بپذیرد. وقتی بعد از اتمام مراسم جلو رفتم تا کاغذ شعرش را بگیرم، با روی گشاده و خلوصی مؤمنانه سروده‌اش را داد که تا همین چندی پیش داشتم ولی هنگام نوشتن این یادداشت هرقدر گشتم اثری از آن پیدا نکردم! اشعاری که بی‌انگیز حالات شاعر و توجه او به سرزمین مادری‌اش بود. شاید زبان مشترک این تصور را ایجاد کند که ما افغان‌ها را بخوبی می‌شناسیم، در حالی که این‌طور نیست و اغلب تصویری غلط از آنها داریم. افغان‌هایی که خطی به نام «مرز» ما را از هم بیگانه و جدا کرده در صورتی که طول پیشینه مشترک فرهنگی ما بیشتر از مرز مشترک ۲ کشور است.

افغانستان است و هر جا نام او مطرح باشد وجهه شاگردپروری او مطرح می‌شود، حکمت سخنانش را فهمیدم. او از هر فرصتی برای راهنمایی کردن و چراغ‌انداختن در مسیر پیش رو استفاده می‌کند. شخصیتی که سلوک خاصی دارد و همین سلوک او را متمایز کرده است؛ تمایزی که نه فقط در میان افغان‌ها بلکه در میان ادیبان پارسی‌گوی این روزگار او را برجسته کرده است. طبع لطیف اشعار او هر شنونده و خواننده‌ای را سر ذوق می‌آورد. در همان مراسم، او شعری خواند و در فکر بودم که چطور کاغذ شعرش را بگیرم و چگونه درخواستم را مطرح کنم که بپذیرد. وقتی بعد از اتمام مراسم جلو رفتم تا کاغذ شعرش را بگیرم، با روی گشاده و خلوصی مؤمنانه سروده‌اش را داد که تا همین چندی پیش داشتم ولی هنگام نوشتن این یادداشت هرقدر گشتم اثری از آن پیدا نکردم! اشعاری که بی‌انگیز حالات شاعر و توجه او به سرزمین مادری‌اش بود. شاید زبان مشترک این تصور را ایجاد کند که ما افغان‌ها را بخوبی می‌شناسیم، در حالی که این‌طور نیست و اغلب تصویری غلط از آنها داریم. افغان‌هایی که خطی به نام «مرز» ما را از هم بیگانه و جدا کرده در صورتی که طول پیشینه مشترک فرهنگی ما بیشتر از مرز مشترک ۲ کشور است.

نمای اول
 جوانی است و دنیای سرک کشیدن به عوالم مختلف و حداقل برای من خواندن و مطالعه کردن بهترین و حتی مطمئن‌ترین راه برای سردرآوردن از چند و چون ماجرا! می‌خواستم بفهمم شعر چیست؛ سؤالی که بارها مطرح و هر دفعه یک پاسخخ به آن داده شده یا به تعبیر دقیق‌تر تعریف واحدی از آن وجود ندارد. از این رو، باز هم اولین و مطمئن‌ترین مسیر کتاب بود. خب! برخی اسامی بود که رفتن سمت آنها را صلاح نمی‌دانستم، چون می‌دانستم دست من کنج‌کاو را نمی‌گیرند. تا اینکه به‌طور اتفاقی با خبر تجدید چاپ کتابی با نام «روزنه» اثر محمدکاتلم کاظمی روبه‌رو شدم. بیشترشان را افغانستانی‌ها تشکیل می‌دادند، گردن کشیدند تا چهره او را ببینند. هر سخنرانی هم که به جایگاه دعوت می‌شد، حضور این چهره ادبیات افغانستان را به فال نیک می‌گرفت. بیشتر مشتاق شدم تا ببینم آقای مظفری قرار است چه بگوید. سیدابوطالب مظفری وقتی پشت میز کوفتن ایستاد، چه موضوعی را مطرح کرد که اهمیت آن و دلیل طرح‌شدن در جمع شعرا و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی را درک نکردم. او از حقوق پشتر سخن گفت. حتی از تصویری که غرب از شرقی‌ها ارائه می‌کند، انتقاد کرد. این موضوعات برای من عجیب بود و ارتباط آنها را با یک جلسه که مدعوین آن را شعرا و اهل فرهنگ تشکیل می‌دادند، متوجه نمی‌شدم. تا این‌که مظفری از حاضران خواست اجازه ندهند رسانه‌های دنیا افغان‌ها را ملتی جنگجو معرفی کنند: «شاعران افغان با توجه به ظاهر جنگی، ولی در بطن‌شان صلح موج می‌زند.» با توجه به اینکه سیدابوطالب مظفری هم یکی از چهره‌های ادبی

افغانستان است و هر جا نام او مطرح باشد وجهه شاگردپروری او مطرح می‌شود، حکمت سخنانش را فهمیدم. او از هر فرصتی برای راهنمایی کردن و چراغ‌انداختن در مسیر پیش رو استفاده می‌کند. شخصیتی که سلوک خاصی دارد و همین سلوک او را متمایز کرده است؛ تمایزی که نه فقط در میان افغان‌ها بلکه در میان ادیبان پارسی‌گوی این روزگار او را برجسته کرده است. طبع لطیف اشعار او هر شنونده و خواننده‌ای را سر ذوق می‌آورد. در همان مراسم، او شعری خواند و در فکر بودم که چطور کاغذ شعرش را بگیرم و چگونه درخواستم را مطرح کنم که بپذیرد. وقتی بعد از اتمام مراسم جلو رفتم تا کاغذ شعرش را بگیرم، با روی گشاده و خلوصی مؤمنانه سروده‌اش را داد که تا همین چندی پیش داشتم ولی هنگام نوشتن این یادداشت هرقدر گشتم اثری از آن پیدا نکردم! اشعاری که بی‌انگیز حالات شاعر و توجه او به سرزمین مادری‌اش بود. شاید زبان مشترک این تصور را ایجاد کند که ما افغان‌ها را بخوبی می‌شناسیم، در حالی که این‌طور نیست و اغلب تصویری غلط از آنها داریم. افغان‌هایی که خطی به نام «مرز» ما را از هم بیگانه و جدا کرده در صورتی که طول پیشینه مشترک فرهنگی ما بیشتر از مرز مشترک ۲ کشور است.

نمای دوم
 در همان شب شعری که شرکت کرده بودم، همین که نام سیدابوطالب مظفری بر زبان مجری مراسم جاری شد، همه شرکت‌کنندگان که بیشترشان را افغانستانی‌ها تشکیل می‌دادند، گردن کشیدند تا چهره او را ببینند. هر سخنرانی هم که به جایگاه دعوت می‌شد، حضور این چهره ادبیات افغانستان را به فال نیک می‌گرفت. بیشتر مشتاق شدم تا ببینم آقای مظفری قرار است چه بگوید. سیدابوطالب مظفری وقتی پشت میز کوفتن ایستاد، چه موضوعی را مطرح کرد که اهمیت آن و دلیل طرح‌شدن در جمع شعرا و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی را درک نکردم. او از حقوق پشتر سخن گفت. حتی از تصویری که غرب از شرقی‌ها ارائه می‌کند، انتقاد کرد. این موضوعات برای من عجیب بود و ارتباط آنها را با یک جلسه که مدعوین آن را شعرا و اهل فرهنگ تشکیل می‌دادند، متوجه نمی‌شدم. تا این‌که مظفری از حاضران خواست اجازه ندهند رسانه‌های دنیا افغان‌ها را ملتی جنگجو معرفی کنند: «شاعران افغان با توجه به ظاهر جنگی، ولی در بطن‌شان صلح موج می‌زند.» با توجه به اینکه سیدابوطالب مظفری هم یکی از چهره‌های ادبی

خبر
 احسان محمدحسینی استعفای خود را از مدیرعاملی بنیاد روایت فتح به سردار غیب‌پور، رئیس سازمان بسیج تقدیم کرد. به گزارش «وطن امروز»، فروردین‌ماه سال ۹۶ بود که سردار غیب‌پور، رئیس سازمان بسیج طی حکمی احسان محمدحسینی را به عنوان مدیرعامل بنیاد فرهنگی روایت فتح منصوب کرد. حسینی که در آن زمان ریاست سازمان هنری - رسانه‌ای اوج را برعهده داشت با حفظ سمت، به عنوان مدیرعامل بنیاد فرهنگی روایت فتح انتخاب شد. تصمیمی که بدون شک به واسطه عملکرد موفق حسینی در سازمان اوج و تلاش مدیران سازمان بسیج مستضعفین برای ارتقای عملکرد بنیاد فرهنگی روایت فتح تحت

یادداشت
فاطمه افتخاری: شهدای گمنام
 تنها آن شهیدانی نیستند که نام و نام خانوادگی روی مزارشان حک نشده است. انقلاب اسلامی ایران و ۸ سال دفاع مقدس بسیار شهیدان گمنامی دارد که در پس کوچک‌های تاریخ یاد آنان به فراموشی سپرده شده است. کتاب خیابان تبریز تلاشی است برای گردآوری خاطراتی که در چند دهه گذشته رخ داده و به گفته نویسنده در مقدمه کتاب، این خاطرات در ذهن شاگردان و دوستان شهید روز به روز کمرنگ‌تر شده است. خیابان تبریز به زندگی معلم شهید «قدرت‌الله چگینی» می‌پردازد که در قزوین متولد شده و دوران نوجوانی خود را در آنجا سپری کرده است اما به دلیل مخالفت با رژیم پهلوی برای معلمی به اجبار راهی الیگودرز در استان لرستان می‌شود و پس از فعالیت‌های موثر در قیل و بعد از انقلاب جلوی منزل خود در خیابان تبریز توسط منافقین به شهادت می‌رسد.

نمای چهارم
 شاید کمتر کسی نام «محمد اکرم عثمان» را شنیده باشد. اصلاً شاید کسی نداند که این نام متعلق به یک ادیب افغانستانی است. ولی شاید جالب باشد بدانید که رهبر انقلاب نه‌تنها او را می‌شناسند، بلکه آثارش را خوانده‌اند و باز هم طبق معمول نظراتی هم دربرایش ابراز کرده‌اند. رمان «کوچه ما» که بلندترین اثر داستانی افغانستانی‌ها به شمار می‌رود، همان زمانی است که رهبر انقلاب آن را مطالعه کرده و سراغ نویسنده‌اش را می‌گرفتند. نویسنده‌ای که سال ۹۵ در سوئد در فلسی را وداع گفت. وقتی رهبر انقلاب از این کتاب یاد می‌کنند، بسیاری که با ادبیات افغانستان خود را مانوس می‌دانستند، متعجب می‌شوند که نام این اثر را نشنیده‌اند در حالی که رهبر انقلاب نه‌تنها اثر دولدلی محمد اکرم عثمان را خوانده بودند، بلکه پیگیر حال و روز نویسنده‌اش نیز بودند.

نمای پنجم
 دیدار شاعران یا رهبر انقلاب به پایان رسیده بود و قرار بود جزئیات این مراسم را از حاضران در جلسه بگیریم. یکی از حاضران، شاعر اهل افغانستان «محمدسرور رحایی» بود. بماند که موفق نشدم از او اطلاعاتی بگیرم ولی آن دیدار زمینه‌ای بود تا به فعالیت‌های او حساس شوم. حتی خبرها و گزارش‌هایی را که نامی از او داشتم، می‌خواندم، چون نسبت به محمدکاتلم کاظمی و سیدابوطالب مظفری برز و تعامل بیشتری با رسانه‌ها داشت. تا اینکه فرزند کتاب تهران با هم گپ زبیم. در بخشی که ناشران و فعالان افغانستانی شرکت کرده بودند و او نیز به‌عنوان معاون خانه ادبیات افغانستان در نمایشگاه حضور داشت. این دیدار باب تازه‌ای بر آشنایی من با افغانستان گشود. آنجا بود که او به

شوکران» روی آنتن شبکه ۴

برنامه تلویزیونی «شوکران» شامل گفت‌وگوهای چالشی با منتقدان ایران امروز، از روز دوشنبه اول مرداد ساعت ۲۱ روی آنتن شبکه ۴ می‌رود. به گزارش «وطن‌امروز»، در برنامه شوکران شخصیت‌های تراز اول فکری و فرهنگی مانند سیدعبدالله انوار، مهدی محقق، شاهی فرهت، داوود هرمیداس باوند، هوشنگ ماهرویان، غلامرضا اعوانی، سیدحسین امین، منوچهر آشتیانی، داور شیخاوندی و... حضور دارند و پیرامون داغ‌ترین مباحثات عرصه اندیشه، فرهنگ و سیاست به بحث می‌پردازند. شوکران محصول مشترک حوزه هنری و شبکه ۴ سیما به سردبیری و اجرای پیام فضلی‌نژاد و تهیه‌کنندگی علی قربانی است. این برنامه ساعت ۲۱ روزهای دوشنبه هر هفته از شبکه ۴ سیما پخش می‌شود و بازپخش آن نیز در روزهای سه‌شنبه، جمعه و شنبه خواهد بود.

ادبیات

احمد شاکری: ادبیات دفاع مقدس ما نیازمند یک خانه‌تکانی است

احمد شاکری، نویسنده و منتقد ادبی کشورمان به‌تازگی با خبرگزاری فارس گفت‌وگو کرده و در این گفت‌وگو به نکات جالبی در ارتباط با ادبیات دفاع مقدس پرداخته است. به گزارش «وطن‌امروز»، در بخشی از این گفت‌وگو شاکری با اشاره به اینکه ادبیات دفاع مقدس نیازمند یک خانه‌تکانی است، در توضیح این نکته می‌گوید: یک نویسنده دغدغه‌های آفرینش‌های هنری دارد، ولی دغدغه‌ای که در روزگار فعلی می‌تواند کمک کند، دغدغه‌ای است که در افراد به واسطه فعالیت‌های‌شان مانند فعالیت در حوزه نقد یا پژوهش در آنها ایجاد می‌شود. آن چیزی که می‌تواند در مسأله شدن یک موضوع در ذهن نویسنده اثر بگذارد ورود او به حوزه نقد و پژوهش است. یعنی نویسنده‌ای که با دید یک منتقد به ادبیات نگاه می‌کند. در جریان پژوهش، بنده به‌طور مشخص سراغ شخصیت و برخی مبانی ادبیات داستانی رفتم. مقدمه آن چیزی که در ذهن من مسأله شد به تعریف من از ادبیات داستانی دفاع مقدس ربط دارد. این هم مقدماتی دارد که مثلاً معتقدم ادبیات دفاع مقدس ما نیازمند یک خانه‌تکانی است. خانه‌تکانی به چه معناست؟ به این معنا که ادبیات دفاع مقدس به تنهایی نمی‌تواند با تکیه بر تاریخ دفاع مقدس زنده بماند، چون جریان خاطر‌نویسی و خاطر‌نگاری حقیقتاً از نظر کمی و در برخی مصادیق کیفی از ادبیات داستانی جلوتر است. خب وقتی اینگونه است داستان چه آورده مضاعفی دارد که می‌تواند با خاطره هم‌وزنی کند؟ اگر حتی نخواهد هم‌اوردی کند که معتقدم دست ادبیات داستانی بالاتر و فراتر در خلق جهان است، اگر قرار باشد فقط به تاریخ تکیه کند چه چیزی بیشتر از این می‌تواند به مخاطب عرضه کند؟ این یک مسأله جدید را ایجاد می‌کند که یک مبناست.

«آوای وحش» بازسازی می‌شود

هرسون فورد در حال مذاکره است تا بازسازی فیلم «آوای وحش» جلوی دوربین برود. به گزارش مهر به نقل از وایتی، در صورتی که توافق بین هرسون فورد و گروه سازنده «آوای وحش» حاصل شود بازیگر «جنگ ستارگان» در نقش جان تورنتون، یکی از جویندگان طلا در این فیلم بازی خواهد کرد. این فیلم که با بودجه بالا با اقتباس از رمان مشهور جک لندن یعنی «آوای وحش» شکل می‌گیرد توسط کمپانی فاکس قرن بیستم ساخته خواهد شد. «آوای وحش» درباره حمله جویندگان طلا در دهه ۱۸۹۰ به کوهستان‌های کالونیاک آمریکاست. جک لندن در این رمان داستان «باک» سگ اهلی و محبوب یک قاضی را تصویر می‌کند که در پی ماجراهایی سر از محیط خشن و بی‌رحم کلونیاک در روزگار هجوم جویندگان طلا به ایالت یوکان درمی‌آورد. این رمان تأثیرگذارترین رمان جک لندن محسوب می‌شود. طی دهه‌ها «آوای وحش» الهام‌بخش سازندگان زیادی بوده و از فیلم صامت تا نسخه تلویزیونی آن ساخته شده است. این فیلم را کریس سندرز سازنده «کروودها» کارگردانی می‌کند. فیلمنامه آن نیز توسط مایکل گرین نویسنده «لوگان» نوشته شده است.



خیابان تبریز
 و شهادت، سخنرانی‌های شهید و وصیتنامه شهید جمع‌آوری کرده است. در هر فصل از این کتاب خاطرات کوتاهی از شهید نقل شده است که نام رازی هر خاطره به‌طور جداگانه مشخص نیست و در فهرست کتاب به نام تمام راوایان اشاره شده است. هر یک از این خاطرات با تیتراهی کوتاه و جذاب از سایر خاطرات جدا می‌شوند. با مرور خاطراتی که در کتاب بیان شده است می‌توان به اهمیت مسائل اعتقادی، جنب حدانگیزی، اهمیت به بیت‌المال و سایر ویژگی‌های شخصیتی شهید پی برد. برای نمونه خاطره زیر مربوط به زمانی است که شهید برای دوره اول

نگاهی به کتاب «خیابان تبریز» اثر میثم رشیدی مهرآبادی

مجلس شورای اسلامی کاندیدا می‌شود؛ در تمام مدت تبلیغات مدام به اعضای ستاد و مجریان تأکید و سفارش می‌کرد که «حق ندراید بوستر مرا روی دیوار خانه مردم بچسبائید و اگر خواسید این کار را بکنید باید از صاحبخانه اجازه بگیرید. اگر هم احیاناً به اموال کسی خسارتی زدید، باید صاحبش را پیدا کرده و جلائی بخواهید». اگر کسی این موارد را رعایت نمی‌کرد چگینی بی‌درنگ عذرش را می‌خواست. حتی بار به او گفت: برادر من چرا اینقدر سختگیری می‌کنی؟ پشت ناراحت و عصبانی شد و گفت: همانطور که برای رفتن به مسجد نباید از راه فاضلاب وارد شد، مجلس